

# آثار سازنده زیارت از دیدگاه قرآن و سنت

آیت الله جعفر سبحانی



«زیارت» در لغت به معنای «قصد» است و در موردی به کار می رود که فردی از نقطه‌ای به نقطه دیگر، برای دیدار شخصی یا مکانی برود و هدفش از این کار تعظیم و تکریم آن فرد یا آن مکان باشد.<sup>۱</sup> گاهی نیز زیارت به جمله‌ها و عباراتی گفته می‌شود که انسان با آن‌ها، با فرد سخن می‌گوید و این اصطلاحی غیر از اصطلاح لغوی است.

## اسلام و فطرت

اسلام، آیینی است فطری و دستورهای آن با آفرینش انسان هماهنگ و همسو است؛ این آیین، از هر نوع تشریع خلاف فطرت پیراسته است. قرآن مجید بر این اصل تصریح می‌کند و می‌فرماید:

«فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقِيمُ وَ لَكِنُّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ»<sup>۲</sup>

مثلاً انسان همواره عدل و داد را دوست دارد و از ظلم و ستم بیزار است و به زندگی اجتماعی علاقه‌مند و از زندگی در بیغوله‌ها گریزان و...

اکنون به بحث در مورد دیدار و زیارت انسان‌های محبوب در آرامگاه‌هایشان پرداخته و نظریه اسلام را در این زمینه بررسی می‌کنیم:

## علاقه به درگذشتگان فطری است

هر انسان سالمی به پدر، مادر، فرزندان، بستگان و دوستان خود علاقه‌مند است و گاهی هستی خود را فدای آن‌ها می‌کند و پس از درگذشت ایشان، به یاد آن‌ها است و در خانه دل، مهر و محبت آنان را پرورش می‌دهد و از همین رو است که آثار و یادگارهای آن‌ها را حفظ می‌کند و پس از خاکسپاری، همواره مهر خود را در کنار قبر آنان به نمایش می‌گذارد تا رابطه‌اش با این از دست رفتگان قطع نشود و آرامگاه آنان به صورتی خاص محفوظ بماند. بنابراین، جلوگیری از زیارت قبور افراد مورد علاقه، امری است ناسازگار با فطرت و گامی است در مخالفت با خواسته‌های انسان. از این رو، شرع مقدس به زیارت قبور فرمان داده و آثاری بر آن بیان شده است.

## آثار تربیتی زیارت قبور

شک نیست که انسان موجودی است با حرص و ولع و دوستار مال و جاه؛ ولی در عین حال عواملی در زندگی او هست که این خواسته را تعدیل می‌کند و به این غریزه سر و سامان می‌بخشد و کاری می‌کند که تلاشش برای زندگی و گردآوری اموال و ثروت در مسیر سعادت باشد نه در مسیر گردآوری اموال.

یکی از عوامل تعدیل‌کننده این درخواست، رفتن به وادی خاموشان است که در آن،

بزرگان و قدرتمندان و ثروتمندان جهان با لباسی سفید و هم‌شکل آرمیده‌اند و چیزی جز کفن همراه خود نبرده‌اند. همین دیدار سبب می‌شود که انسان، از حرص و آز خویش بکاهد و دل به دنیا نبندد.

در روایاتی که از پیامبر خدا ﷺ نقل شده، به این نکته تصریح گردیده است. آن حضرت می‌فرماید:

«كُنْتُ نَهَيْتُكُمْ عَنِ زِيَارَةِ الْقُبُورِ. أَلَا فَرُّوْهُمَا فَإِنَّهَا تَرِقُّ الْقُلُوبَ وَ تَدْمَعُ الْعَيْنَ وَ تَذَكُرُ الْآخِرَةَ»<sup>۱</sup>  
و در حدیث دیگر فرمودند:

«زُورُوا الْقُبُورَ فَإِنَّهَا تُذَكِّرُ الْآخِرَةَ!»

ام سلمه می‌گوید: پیامبر ﷺ فرمودند: «زُورُوا الْقُبُورَ فَإِنَّ لَكُمْ فِيهَا عِبْرَةً»؛ «قبور را زیارت کنید؛ زیرا برای شما در آن آموزندگی و عبرت است.»

### زیارت قبور عالمان

آن‌چه گفته شد، مربوط به زیارت قبور مردم عادی است که کمترین فایده آن، یادآوری مرگ و روز رستاخیز است، ولی زیارت تربت عالمان، اثر دیگری دارد؛ زیرا علاوه بر این که از شخص آنان تجلیل می‌شود، نوعی ترویج از علم و دانش به شمار می‌رود و سبب می‌شود که نسل جوان، به خاطر احترامی که عالمان - در زندگی و پس از مرگ - دارند، به علم‌گرایش پیدا کنند و در شمار آنان درآیند.

### زیارت تربت شهیدان

زیارت تربت شهیدان که با خون سرخ خویش از شرف و عزت ملتی دفاع کرده‌اند مفهومی فراتر از زیارت قبور افراد عادی دارد. حضور در کنار مرقد آنان نوعی بستن پیمان با ایشان است که راه آن‌ها را ادامه خواهند داد. برای روشن شدن مطلب، مثالی را مطرح می‌کنیم:

زائر خانه خدا در طواف، «حجر الأسود» را استلام می‌کند. هدف از دست‌گذاشتن بر این سنگ سیاه چیست؟ هدف، نوعی پیمان بستن با ابراهیم خلیل ﷺ است که پیوسته در راه آرمان او، سعی و کوشش کند و چون دست زائر به قهرمان توحید نمی‌رسد، دست بر چیزی می‌گذارد که بازمانده از اوست.

در احادیث وارد شده که زائر خانه خدا به هنگام استلام حجر بگوید:

«أَمَانِي أَدِيْتُهَا وَ مِيثَاقِي تَمَاهَدْتُهُ لِتَشْهَدَ لِي بِالْوَافَةِ»

«امانتی که بر دمه‌ام بود ادا کردم و بیعت خود را تجدید نمودم تا به ادای آن گواهی دهی.»

از این بیان روشن می‌شود که چرا اسلام دستور می‌دهد به زیارت شهیدان اُخْد و کربلا و دیگر شهدا بشتابیم؛ زیرا حضور در کنار تربت آنان و با دست‌گذاشتن بر ضریح و قبرشان نوعی بستن پیمان با روح و هدف آنان است که زائر راه آنان را تداوم خواهد بخشید. پس زیارت قبر شهید، گذشته از تکریم و احترام او، پاسداری از آرمان‌های اوست.

### حضور در حرم پیامبر ﷺ

حضور یافتن در حرم حضرت رسول ﷺ، گذشته از این که قدرشناسی از جان‌فشان‌ها و فداکاری‌های اوست، بیعت با آن حضرت و نشان‌پایداری بر آرمان‌های او نیز هست. این مطلب از امام هشتم علیه السلام وارد شده که فرمود:

«إِنَّ لِكُلِّ إِمْلَمٍ عَهْدًا فِي عُنُقِي أَوْلِيَائِهِ وَ شِيَعَتِهِ وَ إِنَّ مِنْ تَمَلِّ الْوَلَهِّ بِالْعَهْدِ زِيَارَةَ قُبُورِهِمْ»<sup>۲</sup>

«هر امامی به گردن دوستان و شیعیان خویش پیمانی دارد و زیارت قبور پیشوایان، بخشی از عمل به این پیمان است.»

گویی زائر در زیارت، با پیشوای خویش پیمان می‌بندد که جز راه آنان نپیماید و از راه و رسم دیگری پیروی نکند و با رهبر خویش اینگونه گفت‌وگو می‌کند:

«ای پیامبر خدا، اگر انصار در «عقبه دوم» با تو بیعت کردند تا از حريم رسالت دفاع کنند و یا گروهی از مهاجر و انصار در «حذیبیه» با تو دست بیعت دادند که به حمایت از دین خدا بپردازند، من نیز ای شفیع امت، با حضور در حرم تو و تماس با تربت پاک تو، با تو پیمان می‌بندم که پاسدار آرمان‌های تو باشم. گرد شرک و گناه نگردم و از تو می‌خواهم که برایم از درگاه الهی طلب آموزش کنی.»

اگر گردشگران عالم برای دیدار آثار باستانی و مناظر زیبا، رنج سفر بر خود هموار می‌کنند؛ من با دويدن در بیابان و خفتن در کنار خار مغیلان، خواهان زیارت مرقد تو هستم. از آن‌جا که دستم به تو نمی‌رسد، تربت تو را می‌بویم و می‌بوسم.

### طلب آموزش از پیامبر خدا ﷺ

در قرآن مجید به گنه کاران دستور داده شده که به حضور پیامبر ﷺ برسند و از او درخواست آموزش کنند و پیامبر خدا ﷺ هم در حق آنان دعا نمایند. در این صورت خداوند گناهان آنان را می بخشد:

«وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاؤُكَ فَاسْتَعْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا»<sup>۱</sup>

«اگر آنان که بر خویش ستم کرده‌اند نزد تو می‌آمدند و از خدا آمرزش می‌خواستند و پیامبر نیز برای آنان آمرزش می‌خواست، خدا را توبه پذیر و مهربان می‌یافتند.»

این آیه هر چند در آغاز نظر، مربوط به دوران حیات پیامبر ﷺ است، ولی با توجه به این که پیامبر شهیدان بهتر از شهیدان، زنده است و پیام‌های زائران را می‌شنود و پاسخ درود فرستندگان را نیز می‌گوید؛ می‌تواند برای زائران مرقد خویش طلب مغفرت کند.

شکفتا! همین آیه، هم اکنون که مرقد پیامبر خدا ﷺ در اختیار افراد بی‌مهر و یا کم‌مهر قرار گرفته، بالای مرقد او نوشته شده است.

### زیارت قبور و سنت پیامبر ﷺ

نه تنها پیامبر ﷺ به‌طور شفاهی، یاران را به زیارت قبور می‌خواند، بلکه خود نیز به زیارت آنان می‌رفت. مُسَلِم در صحیح خود نقل می‌کند: عایشه - همسر پیامبر ﷺ - می‌گوید: پیامبر در



آخرین بخش شب، خانه را به قصد زیارت بقیع ترک می‌کرد و آنگاه وارد این سرزمین می‌شد و با آرمیدگان در دل خاک اینگونه سخن می‌گفت:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ دَارِ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ وَأَنَا إِن شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لِأَجْفُونَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِأَهْلِ بَقِيعِ الْغَرْقَدِ»<sup>۲</sup>

«درود بر شما ای ساکنان خانه افراد با ایمان! آن‌چه که به وقوع آن در آینده وعده داده می‌شدید، سراغ شما آمد (و شما میان مرگ و روز رستاخیز به سر می‌برید). ما نیز به شما خواهیم پیوست. پروردگارا! اهل بقیع غرقد را بیامرز!»

نه تنها خود پیامبر ﷺ به زیارت آن‌ها می‌شتافت، حتی همسرش را نیز آموزش داد که آن‌ها را این‌گونه زیارت کند:

همسر پیامبر ﷺ و نیز دخت گرامی آن حضرت، فاطمه زهرا ﷺ به زیارت قبور می‌رفتند و هیچ کس بر آنان ایراد نمی‌گرفت، ولی اکنون باب زیارت قبور بقیع به روی زنان بسته است. این نوعی تناقض میان سنت صحابه و رفتار دستگاه‌های دینی برخی کشورهاست. آیا حکم خدا در قرن چهاردهم دگرگون شده است؟ چرا باید زنان از آثار سازنده زیارت قبور، آن هم زیارت شهیدان و اولیا محروم باشند؟!

«السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ وَيَرْحَمُ اللَّهُ الْمُسْتَقْدِمِينَ مِنَّا وَالْمُسْتَأْخِرِينَ وَإِنَّا إِن شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لِأَجْفُونَ»<sup>۳</sup>

«درود بر ساکنان مؤمن و مسلمان این سرزمین! خداوند همه مؤمنان را؛ چه آن‌ها که درگذشته‌اند و چه آن‌ها که خواهند مرد، رحمت کند. ما نیز به خواست خدا به شما خواهیم پیوست.»

همسر پیامبر ﷺ و نیز دخت گرامی آن حضرت، فاطمه زهرا ﷺ به زیارت قبور می‌رفتند و هیچ کس بر آنان ایراد نمی‌گرفت، ولی اکنون باب زیارت قبور بقیع به روی زنان بسته است. این نوعی تناقض میان سنت صحابه و رفتار دستگاه‌های دینی برخی کشورهاست. آیا حکم خدا در قرن چهاردهم دگرگون شده است؟ چرا باید زنان از آثار سازنده زیارت قبور، آن هم زیارت شهیدان و اولیا محروم باشند؟!

زیارت مرقد پیامبر ﷺ در احادیث

تقی الدین سبکی شافعی (م ۷۵۶) از فقیهان چیره دستی است که عقاید این تیمیه را در مورد عدم استحباب زیارت قبر پیامبر ﷺ نقد کرده و کتابی به نام «شفاء السقام فی زیارة خیر الأنام» نوشته است.

وی در این کتاب احادیثی را که محدثان درباره زیارت قبر پیامبر ﷺ نقل کرده‌اند، گرد آورده است که می‌تواند مسأله را به حد تواتر برساند. حتی مفتی سابق عربستان سعودی - عبدالعزیز بن باز - به این جماعت پیوسته و با صراحت، به استحباب زیارت قبر پیامبر ﷺ فتوا داده است.<sup>۱</sup>

اکنون در این جا تنها به نقل چند روایت می‌پردازیم:

عبدالله بن عمر از پیامبر ﷺ نقل می‌کند:

«مَنْ زَارَ قَبْرِي وَجَبَتْ لَهُ شَفَاعَتِي»<sup>۲</sup>

«هر کس قبر مرا زیارت کند شفاعتم بر او حتمی است.»

امام محمد باقر ﷺ از پیامبر نقل می‌کند:

«مَنْ زَارَنِي حَيًّا وَمَيِّتًا كُنْتُ لَهُ شَفِيعًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ»

«هر کس در دوران حیاتم و بعد مرگم زیارتم کند، در روز قیامت شفیعمش خواهم بود.»

امیرمؤمنان ﷺ می‌فرماید:

«أَمْثُوا بِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ حَبْجُكُمْ إِذَا خَرَجْتُمْ إِلَيَّ بَيْتِ اللَّهِ فَإِنَّ تَرْكَهُ جَفَاءٌ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُمْ وَأَمْثُوا بِالْقُبُورِ الَّتِي أَلَزَمَكُمْ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ حَقَّهَا»<sup>۳</sup>

«زمانی که آهنگ زیارت خانه خدا کردید، حج خود را با زیارت مرقد پیامبر ﷺ به پایان رسانید؛ زیرا ترک زیارت مرقد او، جفا بر آن حضرت است و شما به این کار مأمور شده‌اید و نیز با زیارت قبوری که به زیارت آن‌ها ملزم شده‌اید، حج خود را به پایان رسانید.»

روی این اساس، همه مسلمانان جهان، در ایام حج، برنامه سفر خود را طوری تنظیم می‌کنند که یا در رفتن و یا به هنگام برگشتن، به زیارت مرقد پیامبر ﷺ موفق شوند. چه بسا راه دوری را بر می‌گزینند تا به این هدف جامه عمل ببوشانند.

تفسیر حدیث «لَا تُشَدُّ الرِّحَالُ...»

در این جا ممکن است سؤالی مطرح شود که این روایات، زیارت پیامبر ﷺ را مستحب می‌شمارد اما درباره سفر برای زیارت او سخن نمی‌گوید، بلکه می‌توان گفت که سفر طبق روایت ابوهریره، برای زیارت مرقد او جایز نیست؛ زیرا وی از پیامبر ﷺ نقل می‌کند:

«لَا تُشَدُّ الرِّحَالُ إِلَّا إِلَى ثَلَاثَةِ مَسَاجِدَ: مَسْجِدِي هَذَا وَ مَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ مَسْجِدِ الْأَقْصَى»<sup>۴</sup>

«سفر جز به سوی سه مسجد انجام نمی‌گیرد: این مسجد من، مسجد الحرام و مسجد الاقصی.»

ولی پاسخ این پرسش روشن است: موضوع در حدیث پیامبر ﷺ «شد رحال» (و سفر) به مساجد است نه سفر به غیر آن‌ها؛ مثلاً زیارت قبور، زیارت والدین، سفر برای تجارت و یا تحصیل علم.

علت این که فقط برای این سه مسجد «شد رحال» می‌شود، این است که غیر این سه مسجد، در همه جا ثواب یکسانی دارد؛ مثلاً آن کس که در تهران است شایسته نیست برای درک ثواب مسجد جامع به شهر دیگر برود؛ زیرا ثواب مسجد جامع مثلاً تهران و سمنان یکسان است و این ارتباطی به زیارت قبور ندارد.

زیارت مساجد سبعه

زائران مدینه منوره به زیارت «مساجد سبعه» می‌روند و اگر مسجد «رد شمس»، «بلال» و «الاجابه» را بر آن‌ها بیفزاییم، شمار مساجد به ده می‌رسد. اگر زائران خانه خدا به زیارت این مساجد می‌روند، نه به خاطر آن است که در آن جا با گزاردن نماز اجر بیشتری ببرند، بلکه هدف، یاد و تجدید خاطره مسلمانان صدر اسلام است که در سخت‌ترین وضعیت (دوران جنگ احزاب یا خندق) برخی از این مساجد را ساختند و در آن‌ها نماز گزاردند. حضور در این مراکز، بستن پیمان با شهیدان آن راه است. در این جا هدف دیگری نیز هست و آن، تبرک جستن از این مساجد است که خون شهیدان راه توحید با آن‌ها عجین می‌باشد.

در پایان، آیه‌ای را یاد آور می‌شویم که به صورت آشکار دستور می‌دهد به زیارت قبور مؤمنان بشتابیم: «وَلَا تَصَلُّ عَلَى أَحَدٍ مِنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا وَ لَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ»<sup>۵</sup>

در این آیه، پیامبر ﷺ در باره مشرکان، از دو چیز نهی شده است:

الف) بر هیچ یک از مردگان آنان نماز نگرارا

ب) در کنار قبر آنها برای دعا توقف نکن!

بخش دوم آیه برای ما اهمیت ویژه‌ای دارد و آن این که آیا مقصود از ایستادن در کنار قبر، تنها توقف در هنگام دفن است یا مفهومی گسترده‌تر دارد؟ مفسران معنای دوم را تأیید می‌کنند که به اختصار، کلام برخی از آنان را یادآور می‌شویم:

بیضاوی می‌گوید:

«لَا تَقِفْ عِنْدَ قَبْرِهِ لِلدُّفْنِ أَوْ الزِّيَارَةِ»<sup>۱۸</sup>؛ «بر سر قبر منافقان، خواه برای دفن و خواه برای زیارت توقف نکن.»

همین نظریه را جلال‌الدین سیوطی<sup>۱۹</sup> و عارف بوری<sup>۲۰</sup> و آلوسی بغدادی<sup>۲۱</sup> آورده‌اند. در این صورت معنا چنین خواهد بود: «بر سر قبر هیچ یک از منافقان، در هیچ زمانی توقف نکن.» و مفهوم آیه این است که توقف بر قبر مؤمنان جایز و بلکه شایسته است، خواه برای دفن و خواه برای غیر آن. بنابر این، هر مسلمان با ایمانی می‌تواند از این فیض بهره‌مند باشد که پیامبر ﷺ در کنار قبر او توقف و برای او دعا کند، به جز منافقان که از این فیض بی بهره‌اند.

**حفظ آثار صالحان در سایه زیارت قبور**

آثار سازنده زیارت قبور، به‌ویژه زیارت قبور عالمان و شهیدان و اولیای الهی و پیامبر گرامی ﷺ در گرو حفظ قبور آنان است. زیارت، سبب بازسازی این قبور و صیانت آنهاست و



روشن است اگر امت اسلامی پیوند خود را با این مراقد متبرکه قطع کند؛ با گذشت زمان، این مراکز به دست فراموشی سپرده می‌شوند و اثری از آنها باقی نمی‌ماند و در نتیجه دو خسارت بزرگ متوجه امت اسلامی می‌شود:

۱. آثار سازنده‌ای که در زیارت این مراکز بوده، از دست می‌رود.

۲. مسائل صدر اسلام و سیره و تاریخ اولیای دین به تدریج فراموش می‌شود و نسل‌های آینده با دیده شک و تردید به اصل حادثه می‌نگرند؛ زیرا زیارت قبور آنها مایه تجدید خاطره‌ها بود و در صورت تحریم این اعمال، با گذشت زمان به دست فراموشی سپرده شده و نوشته‌ها نیز جایگزین مشاهده‌ها نمی‌شود و کم‌کم دیگر مسائل مربوط به اسلام نیز به همین سرنوشت دچار می‌شود و شک و تردید نسبت به خود آیین پیامبر خاتم و شخص شخیص او و برنامه‌هایش راه پیدا کرده و با گذشت زمان کم‌رنگ می‌شود؛ هم‌چنان که جریان درباره حضرت مسیح ﷺ از این قرار است.

از خود حضرت مسیح و یاران او و کتابش اثر ملموسی بر جای نمانده و نسل حاضر که با محسوسات سر و کار دارد، نسبت به اصل وجود مسیح و آیین او، با دیده تردید می‌نگرد و چه بسا احتمال می‌دهد که این آیین، ساخته و پرداخته مورخان و داستان‌سرایان باشد. چنان‌که سرگذشت لیلی و مجنون و شیرین و فرهاد به همین سرنوشت مبتلا شده است. به خاطر این آرمان است که قرآن مجید دستور می‌دهد خانه‌هایی که در آنجا صبح گاهان و عصر گاهان، تسبیح خدا گفته می‌شود مورد احترام و بزرگداشت قرار گیرد:

«فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ \* رَجُلًا لَا تُلْهِيمُهُمْ تِجَارَةً وَلَا بَيْعًا عَنِ ذِكْرِ اللَّهِ وَ إِقَامِ الصَّلَاةِ وَ إِيْتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَ الْأَبْصَارُ.»<sup>۲۲</sup>

«(این چراغ پرفروغ) در خانه‌هایی قرار دارد که خداوند اذن فرموده، دیوارهای آن‌را بالا برند (تا از دستبرد شیاطین و هوسبازان در امان باشد)؛ خانه‌هایی که نام خدا در آن‌ها برده می‌شود و صبح و شام در آن‌ها تسبیح او می‌گویند. مردانی که خرید و فروش و بازرگانی، آنان را از یاد خدا و برپاداشتن نماز و ادای زکات غافل نمی‌کند. آن‌ها از روزی می‌ترسند که در آن، دل‌ها و چشم‌ها زیر و زبر می‌شوند.»

بنابراین، مقصود از «بیوت»، مساجد نیستند؛ زیرا مساجد غیر از بیوت است و در قرآن هم «بیت الله الحرام» غیر از «مسجد الحرام» است. بیت سقف لازم دارد تا ساکنان را از سرما و گرما

حفظ کند در حالی که در مسجد، پوشش و سقف شرط نیست و احياناً در مناطقی باز بودن سقف مستحب است.

در این صورت، خانه‌های اولیای الهی؛ مانند خانه علی علیه السلام و فرزندان او، که معبد شب و روز آنها بوده، باید حفظ شود و مورد احترام قرار گیرد. اتفاقاً حرم عسکریین که از روی کینه توزی ویران شد، معبد ائمه بوده و پیوسته در آنجا نماز گزارده و تسبیح گفته‌اند.

سیوطی می‌نویسد: وقتی این آیه نازل شد و پیامبر صلی الله علیه و آله آن را در مسجد تلاوت کرد، مردی برخاست و از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پرسید: در اینجا مقصود از بیوت، کدام خانه‌ها است؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: خانه‌های پیامبران. ابوبکر در حالی که به خانه علی و فاطمه علیها السلام اشاره می‌کرد پرسید: آیا این هم از همان خانه‌هاست؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: از برترین آنها است.<sup>۲۰</sup>

امید است همه مسلمانان، در حفظ آثار اسلامی و یادگارهای پاکان و نیاکان و هرچه که به حفظ ارزش‌های اسلامی کمک می‌کند، موفق باشند!

**پی‌نوشت‌ها:**

۱. مصباح المنیر، ص ۳۵۴
۲. لقمان: ۳۰
۳. کنز العمال، ج ۱۵، حدیث ۴۲۵۵۵
۴. صحیح مسلم، ج ۲، ص ۶۷۱
۵. وسائل الشیعه، ج ۱۰، باب ۴۴، از ابواب مزار، حدیث ۲
۶. نساء: ۶۴
۷. صحیح مسلم، ج ۳، ص ۶۳، کتاب جناز.
۸. همان، ص ۶۴
۹. جریده الجزیره، تاریخ ۲۴ ذی القعدة، سال ۱۴۱۱، شماره ۶۸۲۶
۱۰. سنن دارقطنی، ج ۲، ص ۷۸، باب المواقیب.
۱۱. قرب الاسناد، ۳
۱۲. خصال صدوق، ج ۲، ص ۴۰۶
۱۳. صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۲۶، باب لا تشد الرّجال.
۱۴. توبه: ۷۴
۱۵. تفسیر بیضاوی، ج ۱، ۴۱۶
۱۶. تفسیر جلالین، توبه: ۸۴
۱۷. روح البیان، ج ۳، ص ۳۷۸
۱۸. روح المعانی، ج ۱۰، ص ۱۵۵
۱۹. نور: ۲۷-۲۶
۲۰. الدر المنثور، در تفسیر آیه یاد شده.